



گزارش کارگاه آشنایی با افغانه های کهن

به مناسبت همایش هویت برای کارشناسان پیش دبستان آموزش و پرورش

۳-۶ دماه ۱۳۹۷

استان هرمزگان، بندرعباس

لیلا کفاش زاده

گزارش کارگاه آشنایی با افسانه های کهن

به مناسبت همایش هویت برای کارشناسان پیش دبستان آموزش و پرورش

۳-۶ دیماه ۱۳۹۷- بندرعباس

لیلا کفاش زاده

نوش آفرین انصاری : قصه ها بچه ها را به ریشه ها و گذشته شان بر می گرداند. برای هر نسلی جذاب است که بدانند نسل قبل چگونه زندگی می کردند. پایداری قصه ها باعث پایداری فرهنگ می شود.

کارگاه ۲ روزه آموزشی ارتقای کیفیت آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی با محوریت هویت کودکان در بندرعباس با حضور معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش پرورش برگزار شد.

مدتی است بحران هویت به یکی از اصلی ترین دغدغه های نهاد ها و افراد کنشگر اجتماعی بدل شده است و هجوم فرهنگ های بیگانه جای خالی هویت را به ویژه در نزد کودکان و نوجوانان عمیق تر می کند. از همین روی وزارت آموزش و پرورش دست به اقدام سراسری جهت برگزاری کارگاهی با همین نام زد. مخاطبین این کارگاه ۱۵۰ نفر از کارشناسان مسئول و برنامه ریزان درسی در مقطع پیش دبستان، از سراسر کشور بودند. مقطع پیش دبستان اولین مقطع رسمی آموزشی در کشور ماست که بهترین انتخاب بود. چرا که پایه های شناختی از اولین دوره های آموزشی می بایست درست و استوار بنیان گذاشته شود تا در آینده بتوان شاهد ثمر دهی و شکوفایی آن باشیم.

دفتر کودک و نوجوان پژوهشگاه میراث فرهنگی بیش از پنج سال است که در عرصه های گوناگون میراث فرهنگی در حال فعالیت است. این دفتر برای بهتر شدن نتیجه کار، طی این سال ها همکاری های فراوانی با نهاد ها و سازمان های گوناگون داشته است. عضویت در کمیته رشد همه جانبه کودکان که متشکل از پانزده نهاد و سازمان رسمی و مردم نهاد در کشور است نیز یکی از بهترین همکاری های مشترک با این مراکز به شمار می آید. از همین روی برای برگزاری کارگاه هویت یکی از مدعوین کارشناس میراث فرهنگی (نگارنده گزارش) بود.

ایران مهد صنایع دستی و سرزمینی غنی از افسانه های کهن است. کارگاهی که در نظر گرفته شده بود بیان هویت ملی با کمک افسانه ها و عروسک های بومی بود. عروسک سازی شاخه ای از هنر های بومی- سنتی محسوب می شود که در طی سالیان به صورت سینه به سینه به ارث رسیده و گنجینه ای سنت های بومی مناطق و اقوام گوناگون محسوب می گردد.

در نگاه اول شاید امری بدیهی به نظر برسد که کشوری مملو از افسانه باشد. اما این اتفاق در همه کشور های جهان رخ نمی دهد. ایران جزو یکی از پر تعداد ترین و از آن مهم تر پر تیپ ترین قصه ها به شمار می آید. منظور از تیپ، رده بندی افسانه ها است که در کتاب مارزلف به آن اشاره شده است.

پس افسانه ها و اسباب بازی ها که عروسک سازی بومی هم جزئی از آنها محسوب می شوند دو عنصر مفید و تاثیر گزار برای آموزش به کودکان اند. در این کار گاه نیز سعی شد تا با معرفی تعدادی از افسانه های کهن و بومی و نیز معرفی عروسک های قومی و آیینی قطره کوچکی از دریای بیکران هویتی این سرزمین به عنوان مواد درسی که می توان از آنها در مقطع پیش دبستان استفاده کرد، به حضار ارائه گردد.

در این کارگاه که در چهار نوبت برای ۱۵۰ نفر ارائه شده پرسش های زیر مطرح گردید:

اهمیت قصه گویی چیست؟

قصه ها چه جایگاهی در بیان هویت دارند؟

قصه های قومیتی چه مفاهیمی را بیان می کنند؟

چگونه یک قصه گو شویم؟

هنگام قصه گویی چه باید بکنیم؟

واکنش کودکان را به قصه بسنجیم.

چگونه قصه مناسب انتخاب کنیم؟

در ادامه کارگاه مفاهیم زیر ارائه شد:

با بلندخوانی و قصه گویی برای کودکان، به واژه ها جان می بخشیم، فضای داستان را در ذهنشان بیدار می کنیم و کنش ها و رخداد های داستان را در برابرشان به حرکت در می آوریم. قصه گویی افسونی است که داستان را در برابر چشم و گوش کودکان به نمایش در می آورد.

قصه گویی با افسانه های کهن برای کودکان، یکی از نیازهای بنیادین آنها در آشنایی با ادبیات کودکان است. هنگامی که برای کودکان بلندخوانی می شود، جدای از این که بیشترین لذت را از شنیدن داستان می برند، شیوه های گفتار در زبان را نیز می آموزند. هنگامی که صدای معلم در جایگاه قصه گو آرام است، داستان چون رودی آرام در جریان است، هنگامی که صدای مربی اوج می گیرد، روایت رو به سوی بلندی ها و کشمکش ها می رود. هنگامی که صدای او فرو می نشیند، گره های داستان گشوده شده است. با این پیچ و تاب ها در گفتار است که کودکان با جادوی زبان آشنا و در برابر ادبیات به شگفتی می رسند و لذت می برند. در دنیای قصه اشیا و حیوانات سخن می گویند. ناممکن ها ممکن می شود. تمام جانوران و گیاهان بر پایه ی منطق عمل می کنند. مجموعه ای از این رفتارها با زبان قصه به کودک می آموزد که چگونه چالش های پیش رو در زندگی را پشت سر گذارد و یا به طور مثال

حسی مانند همکاری و مفید بودن را تجربه کند. به عنوان مثال : قصه ی مهمان های ناخوانده که به همت دفتر کودک و نوجوان در سال ۹۶ در فهرست میراث ناملموس کشور ثبت شد، به کودکان می آموزد که شرط ماندن در خانه مادر بزرگ (به مثابه وطن) مفید بودن است.

گشودن گره های ذهنی کودکان با قصه گویی

در هر داستان گره یا چالشی ایجاد می شود که درست شکل گره های زندگی است. قصه دست کودک را می گیرد و از این چالش رد می کند. ابزار این عبور خیال کودک است. مثال : قصه کدوی قلقله زن که به زبان داستان به کودک می آموزد هنگام مواجهه با خطرات و افراد ناباب، توانایی فکر و تدبیر خاص داشته باشد.

بچه ها عناصر اصلی قصه ها هستند. قصه ها مفاهیمی را می گویند که در زندگی واقعی با آن روبرو هستند. مانند طرد شدن، بی مهری، تبعیض، نافرمانی، ترس و تنهایی... اما همیشه بچه ها پیروز می شوند.

آموزش مفاهیم اجتماعی

داستان ها با کنایه ای از فداکاری، گذشت، بخشش و آرمان گرایی که با درون مایه اخلاقی، روابط انسانی و مهر و محبت متقابل بین آنان را بیان می کنند، قادر هستند آرامش و عشق و موهبت بخشندگی را به سادگی ولی با عمقی تاثیر گزار بر ذهن کودک بنشانند. قصه ماه پیشانی که با کارکرد اجتماعی - عاطفی حکایتی ستایش آمیز است از رضایت خاطری که یک دختر به عنوان یک مصلح تمام عیار در خود احساس می کند. او هیچ چشمداشتی به جز نیکی ندارد.

قصه ها ابزاری برای شناخت خویشتن

قصه ها به کودکان یاد می دهند که برای کامل شدن و رشد شخصیتشان باید مسیر زندگی را در جستجوی معنا بپیمایند. آزمون و خطا کنند و بگذارند و بگذرند تا به نتیجه مطلوب برسند. افسانه ملک محمد به آنان می آموزد که چگونه در مسیر زندگی به دنیای زیرین بروند و از دل تاریکی ها راه به سوی نور و روشنایی بیابند. در روان شناسی دنیای زیرین به معنای رفتن به ناخود آگاه و شناخت خویشتن است.

تاثیر صدای والدین یا مربیان در هنگام قصه گویی :

اغلب غیبت فیزیکی و یا ذهنی والدین در زندگی بچه رخ می دهد. قصه گویی فرصتی است تا حضور صد در صد مادر و تحت نظر داشتن تمام حرکات مادر توسط کودک رخ دهد. قصه های قدیمی قطعاً موقعیت تجاری قصه های امروزی را ندارند اما قصه هایی هستند که از هزاران سال پیش به ما به ارث رسیده اند و چکیده روح یک ملت اند و از آن جایی که اغلب با دیگر قصه های تمدن ها مشترک اند، می توان گفت قصه های قدیمی روح و زبان مشترک ساکنین کره زمین هستند. مثال: شخصیت انار خاتون در کتاب افسانه های آذربایجان به روایت صمد بهرنگی که همان زیبای خفته ی جهانی است. و یا ماه پیشانی متناظر سیندرلا، قصه محبوب جهانی است.

ایجاد انگیزه در کودکان به هنگام شنیدن قصه های قومی

افسانه ها از چراها سخن می گویند نه از چگونگی رخ دادن ها ، برای همین به دل کودکان می نشینند و با آنها ارتباط خوبی برقرار می کنند. می توان از افسانه ها برای آموزش استفاده کرد بدون اینکه شکل درسی به خود بگیرند. در افسانه کوردی

شاماران، تاماسب با شاماران حرف می زند و در چاه پر از مار زندگی می کند. نتیجه این نوع تجربه، دست یافتن به راز طبیعت و پی بردن به خواص گیاهان است. آشی که با انواع سبزیجات هر ساله در منطقه کردستان به نام آش شاماران پخته می شود سنتی است که نشان از راز گیاهان دارد. این افسانه اشاره به هویت آن منطقه دارد. با معرفی این افسانه به کودکان و یا با برگزاری جشن ها و یا رویدادهایی مبتنی بر آیین های کهن می توان مفاهیم فرهنگی را که کاملاً در ارتباط با هویت است به آنان آموزش داد.

پرهیز از فرد گرایی

در جامعه امروزی ما متأسفانه کودکان در خانواده های کم جمعیت رشد می کنند و به طبع همه چیز را از آن خود می دانند . فرصت به اشتراک گذاشتن احساسات و کمک به خواهر و برادر از همان زمان طفولیت را از دست داده اند و یک خود محوری بر کودکانمان حاکم شده که تجربه ی حس خوب نوع دوستی را از آنان گرفته. داستان ها می توانند کودک را در فضای تعامل احساس با دیگران قرار دهند و حس خوب اهمیت دادن به دیگران را به آنها منتقل کنند . در افسانه ترکمنی آق پامیق داستان دختری روایت می گردد که تصور می کند تک فرزند است. اما در طول داستان متوجه می شود که هفت برادر دارد و دست به سفری می زند تا آنها را بیابد و در این سفر راز های زندگی را می یابد. افسانه ها به کودکان می آموزند تا چگونه زندگی را با دیگران سهیم شوند و به هم نوعان خود عشق بورزند.



شناخت آداب و رسوم و فرهنگ

یکی از مهم ترین ویژگی های افسانه های بومی، شناخت سرزمین استو در طول روایت یک افسانه ، آداب و رسوم، ازدواج و مرگ، خوراک و پوشاک، معماری و بسیاری از رفتار های یک قوم مطرح شده و به طور غیر مستقیم باعث شناخت کودک از هویت اصیل

خویش می گردد. این همان قطعه گم شده فرهنگ است که در ابتدای گزارش به آن اشاره شد. شناخت کودکان از سرزمین مادری شان ، آنها را به غرور ملی و خود باوری نزدیک تر می کند و قطعاً آینده ای روشن تر را برای این سرزمین رقم خواهد زد.

به طور خلاصه می شود گفت که خواندن افسانه ها برای کودکان:

موجب برقراری احساس عاطفی بین کودکان و والدین / مربیان می گردد.

به یادگیری و گسترش دایره واژگان کودک کمک می کند.

در بزرگسالی ایجاد انگیزه و هدف می نماید.

قدرت تخیل و خلاقیت کودک را افزایش می دهد.

اطلاعات عمومی کودک را بالا می برد.

قدرت یادگیری، رشد مغزی و رشد زبانی را در کودک افزایش می دهد.

باعث تمرکز کودک بر روی یک موضوع می گردد.

و از همه مهم تر کودک را با داشته های فرهنگی و هویت ملی خود آشنا می کند.

کلیه افرادی که در این کارگاه شرکت کردند موظف بودند تا در مراکز استانی خود این مفاهیم را به مربیان مقطع پیش دبستانی منتقل نمایند تا آنها بتوانند در تدوین شرح درس های خود از این مطالب استفاده نمایند. این فرصت بسیار خوبی برای انتقال میراث شفاهی کهن این سرزمین است که در بهترین سن به نسل آینده کشور آموزش داده شود. امید که با گسترش همکاری های فی مابین پژوهشگاه و دستگاه های متولی امر آموزش در کشور بتوان به نتایج بهتری دست یازید و گنجینه غنی فرهنگی سرزمین را به کودکان منتقل کرد تا میراث بانانی خوب و مفید در آینده باشند.

دیگر درس های این کارگاه خلاقیت و بازی و اهمیت دوره پیش دبستان بود که توسط اساتید دانشگاهی تدریس شد.

